
مسئولیت مدنی

«Civil Responsibility or Torts Liability»

بخش اول

کلیات و ارکان و عناصر

مسئولیت مدنی از مسائل مهم و قابل توجه حقوقی است و بهمین لحاظ درباره موضوعات مختلفه آن جداگانه بحث می‌نمائیم. برای سهولت بحث و تشریح کلیه موضوعات و مسائل مربوط به مسئولیت مدنی و نتیجه‌گیری از مباحثات موضوعات مربوط به مسئولیت مدنی که برای روشن شدن موضوع مسئولیت مدنی بطور کلی بایستی درباره آنها بحث و گفتگو شود از این قرار است:

- ۱- کلیات و ارکان و عناصر مسئولیت مدنی
 - ۲- مسئولیت مدنی دولت در روابط بین‌المللی و از لحاظ داخلی
 - ۳- مسئولیت مدنی کارفرمایان مشمول مقررات قانون کار
 - ۴- مسئولیت مدنی محجورین (اشخاص صغیر، مجانین و اشخاص غیر رشید)
 - ۵- مسئولیت محض یا مسئولیت مطلق و موارد آن «Strict Liability»
 - ۶- مواد رفع مسئولیت مدنی (دفاع مشروع، فرس‌ماژور و غیره)
- فعلا درباره کلیات و عناصر و ارکان مسئولیت مدنی (قسمت ۱) بحث می‌کنیم و گفتگو راجع به قسمت‌های دیگر ببعد موکول می‌کنیم.
- لازم به یادآوری است که در عین حال موضوع اصول و کلیات و ارکان مسئولیت از مهمترین موضوعات مربوط به این مبحث حقوقی است زیرا از قواعد و اصولی گفتگو میشود که اساس بحث در قسمت‌های دیگر است و تا این قسمت از جهات مختلف تجزیه و تحلیل نشود فهم و درک صحیح سایر مسائل غیرممکن و یا حداقل

بسیار مشکل خواهد بود و از طرفی بضوابط مسئله وقوف حاصل نمیشود. شاید نیازی به استدلال نباشد که قوانین برای برقراری نظم و تنظیم روابط افراد در هر جامعه وضع و اجراء میشود. افراد نیز دارای منافع و مصالح زیادی هستند و از قانون انتظار دارند که از مصالح و منافع آنان حمایت نماید و قانون نیز باید از منافع افراد حمایت کند.

مردم میل دارند که شخصاً در مقابل صدمات و تصادفات تأمین داشته باشند و این تأمین تنها بتمامیت جسمانی و بی‌عیب بودن فیزیکی مربوط نیست و علاوه از آن میل دارند آزادانه رفت و آمد نموده و دارای امنیت و آزادی فکر باشند. مردم به غذا - لباس - مسکن - زمین - کالا - پول - اتومبیل و وسیله سرگرمی نیاز دارند و مایلند مزایای مزبور را آزادانه بدست آورند و بعلاوه نسبت بحقوق و مزایای مزبوره مزاحمتی ایجاد نشود و فارغ‌البال مورد استفاده قرار گیرد. آدمیان دوست دارند در کار کردن و رفتار با دیگران آزادی داشته باشند و در مقابل مداخله نسبت بزندگانی خصوصی خود و روابط خانوادگی و احترام و شهرت خویش مورد حمایت قرار گیرند.

مردم به آزادی فکر و عمل علاقمند هستند به فرصت‌های مناسب برای بدست آوردن منافع اقتصادی علاقه دارند و متمایل هستند که با خدمه خود روابط حسنه و ممتاز داشته باشند و میل دارند بدون ملاحظه غیر ضروری و موانع ناشی از ادعاهای دیگران آنچه را که دوست دارند انجام دهند. و در هر جامعه‌ای تعارض و تضاد این قبیل مصالح و منافع اجتناب‌ناپذیر است.

هیچکس بجز با اراده آزاد مجبور به عقد قرارداد و قبول تعهد ناشی از آن در برابر دیگری نیست. اما وقتی که رانندگی اتومبیلی را بعهده‌دارد قانون تعهداتی را در برابر تمام اشخاصی که در محل رانندگی او عبور می‌کنند بر او تحمیل می‌کند و قانوناً تعهد دارد بمنظور سلامتی اشخاص مزبور با دقت و توجه معقول رانندگی کند و این امر حتی بدون رضایت او و اعتراض شدید وی از طرف قانون برقرار و اعمال میشود.

چنانچه راننده مزبور با دقت و توجه معقول رانندگی نکند و در نتیجه به دیگری صدمه‌ای وارد آورد مسئول خواهد بود.

بطور کلی موقعی که بین افراد قراردادی وجود داشته باشد تنها آثاری را میتوان بر اعمال آنان تحمیل کرد که با اراده آزاد و با تراضی پذیرفته باشند و وظیفه مهم دادگاه دقت در متون قراردادها بمنظور تشخیص آنچه که طرفین در موقع انعقاد قرارداد پذیرفته‌اند میباشد.

بنابراین بحث راجع بمسئولیت مدنی فارغ از مسائل قراردادی و مسئولیت‌های ناشی از قرارداد میباشد.

در کشورهای دارای حقوق مدون معمولاً در خصوص مسئولیت مدنی قوانین و مقررات خاصی، وجود دارد. در کشورهای دارای حقوق عرضی «Commun Law»

مسائل مسئولیت مدنی را تحت عنوان بسیار وسیعی بنام «Turt» یا شبه جرم بررسی می‌کنند و مبنای اقدامات آنان تصمیماتی است که دادگاهها اتخاذ می‌نمایند و ایجاد رویه و سابقه می‌نماید و وقتی که در خصوص موضوع معینی سابقه و رویه‌ای پیدا میشود تا وقتی که ترك آن ضروری نباشد از آن تبعیت می‌نمایند.

در حقوق ما نیز مسئولیت مدنی را در رقابت قانون خاصی تنظیم نموده‌اند و نام آنرا قانون مسئولیت مدنی گذارده‌اند.

قانونی که تحت این نام در اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ در کمیسیون مشترك خاص مجلسین بتصویب رسیده دارای ۱۶ ماده و از قانون تمهیدات سویس از ماده ۴۱ ببعده تحت عنوان الزامات ناشی از عمل غیر قانونی اقتباس گردیده و تغییرات متناسب با اوضاع مملکت در آن داده‌اند. قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ از مسئولیت مدنی تعریفی نکرده ولی با توجه بمقررات ماده ۱ قانون مزبور میتوان گفت مسئولیت مدنی عبارت است از «ملزم بودن شخص بجبران زیانی که بدون مجوز قانونی بدیگری وارد میشود».

طبق تعریف مزبور مسئولیت مدنی موقعی محقق میشود که کسی بدون مجوز قانونی بحق دیگری لطمه‌ای بزند و در نتیجه زیانی به او وارد شود.

در مورد عمل فرق نمی‌کند که عمل جرم باشد یا شبه جرم زیرا مسئولیت مدنی نتیجه عمل بدون مجوز قانونی است - اعم از اینکه عمدی باشد یا غیرعمدی. در اصطلاح حقوقی جرم دارای دو معنی است. جرم کیفری و جرم مدنی. جرم از لحاظ کیفری عملی است عمدی یا در نتیجه بی‌احتیاطی و... که قانون برای آن مجازات تعیین می‌نماید. در اصطلاح حقوقی مدنی جرم هر عمل غیر-قانونی است که موجب زیان دیگری شود.

چنانچه عمل زیان‌آور در اثر حيله و سوءنیت باشد جرم بمعنی خاص و چنانچه در نتیجه بی‌احتیاطی یا غیرعمدی باشد شبه جرم نامیده میشود.

با این ترتیب جرم مدنی عملی است عمدی که مرتکب بمنظور اضرار بغير انجام میدهد ولذا میتوان آنرا - تقصیر ارادی نیز نامید.

اما شبه جرم شامل تمام انواع اعمالی میشود که بمنظور دیگری غیر از زیان رسانیدن بغير اگرچه در نتیجه بی‌احتیاطی باشد انجام می‌گیرد.

حسب مقررات قانون مسئولیت مدنی عمل زیان‌آور باید عمدی یا در نتیجه بی‌احتیاطی باشد، تا موجب مسئولیت گردد معذالك قانون مذکور از عمد و بی-احتیاطی تعریفی نکرده و برای روشن شدن موضوع و استفاده بهتر از بحث مطروحه اشاره بتعاریفی که در تالیفات حقوقی از اصطلاحات مزبور شده ضروری بنظرس میرسد.

بی‌احتیاطی عبارت است از پیش‌بینی نمودن اشتباه و خطری که ممکن است در نتیجه ارتکاب عمل اتفاق افتد. «Negligence»

در مورد ضابطه تشخیص برای احراز بی‌احتیاطی نظریات مختلفی ابراز شده

و گفتگو زیاد است ولی آنچه که بعنوان تمرین ضابطه و راه حل پذیرفته شده و منطقی بنظر میرسد رفتار شخص محتاط است که ضابطه قرار می‌گیرد و در هر مورد باید شخص محتاط از ضعف شخص متخلف را بجای او قرار داد و سپس بمسئولیت یا عدم تقصیر حکم داد.

بی‌مبالاتی را نیز بعضی‌ها مترادف با احتیاطی دانسته‌اند ولی چون از نظر قوانین ما اصطلاحات مزبور دارای معانی یکسانی نیست و از هر يك معانی و مقاصد خاص مورد نظر است از بحث در این پاره خودداری می‌نمائیم.

البته در عمل تفکیک بین جرم مدنی و شبه‌جرم نتیجه ندارد زیرا در هر دو مورد مرتکب باوجود شرایط لزوم مسئول جبران خسارت وارده بمتضرر میباشد. عمد - در قوانین جزائی و مدنی ما تعریفی از عمد وجود ندارد ولی فقهای امامیه افعال را - بطور کلی بسه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱- عمد

۲- شبه‌عمد

۳- خطای محض

و عمد را چنین تعریف نموده‌اند «بفعلی تحقق می‌یابد که فاعل انجام آنرا برای ایجاد نتیجه خاص داشته باشد و آن نتیجه حاصل شود» در شبه‌عمد قصد فعل وجود دارد بدون قصد نتیجه وجود داشته باشد. اما در خطای مشخص نه در عمل و نه در نتیجه قصدی وجود ندارد.

مسئولیت مدنی از نظر تاریخی

در حقوق قدیم تقسیم کنونی عمل خلاف قانون بجرم کیفری و جرم مدنی دیده نمیشود و بین جنبه عمومی و خصوصی نیز فرقی وجود نداشته چنانکه در حقوق رومی و حقوق قدیم فرانسه جرم مدنی و کیفری دارای يك منشأ بوده‌اند.

علت این امر این است که در گذشته تمام شئون جنبه خصوصی و فردی داشته و بجنبه اجتماعی قضایا توجهی نداشته‌اند. تفکیک بین جنبه خصوصی و عمومی و جرم مدنی و کیفری بعد از تشکیل اجتماعات و پیداشدن قدرت مرکزی رفته رفته پیدا شده و در حقوق رومی که منشأ بسیاری از حقوق امروزی ماست، هیچوقت بین جرم و مسئولیت مدنی تفکیک کامل وجود نداشته و زیان‌دیده میتواند با اقامه دعوی کیفری یا دعوی مخلوط «Mixaction» مطالبه ضرر وارده و تعیین مجازات نماید.

حتی جرائم در حقوق رومی نیز محدود به سرقت و تدلیس و کلاهبرداری بوده و از قرن شانزدهم ببعده است که تحولات لازم پیدا شده است.

مسئولیت مدنی در حقوق ایران - قبل از تصویب و اجرای قانون مسئولیت مدنی بسال ۱۳۳۹ قانون مدنی دو مبحث از فصل دوم جلد اول را اختصاص به مسئولیت مدنی داده و در تدوین مقررات مباحث مزبور از فقه امامیه پیروی و دو امر را که اتلاف و تسبیب باشد، مبنای مسئولیت مدنی قرار داده.

اتلاف که در ماده ۳۲۸ قانون مدنی به آن اشاره شده عبارتست از عمل مثبت مستقیمی که موجب تلف مال دیگری میشود. و تسبیب که در ماده ۳۳۰ قانون مزبور آمده عملی است غیرمستقیم اعم از اینکه مثبت باشد یا منفی که موجب تلف مال می‌گردد.

قانون‌گذار ایران در مبحث اتلاف از نظر علیت و خطر که مورد نظرفقه‌های امامیه بوده تبعیت کرده و در قانون مسئولیت مدنی تحت تأثیر حقوق اروپائی از نظریه تقصیر پیروی کرده است.

موضوع مهم که قبل از تشریح ارکان مسئولیت مدنی باید روشن شود این است که حال که مقررات اتلاف قانون مدنی و مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ به متضرر حق میدهد جبران خسارت وارده را بخواهد آیا با وضع قانون اخیر مقررات اتلاف فسخ ضمنی شده یا خیر؟

برای پاسخ به این سؤال باید گفته شود که قانون مسئولیت مدنی لطمه به هر حقی را بدون مجوز قانونی موجب مسئولیت مدنی دانسته در صورتیکه مقررات اتلاف ناظر به تلف یا ناقص و معیوب شدن مال است و بدین ترتیب قانون مسئولیت مدنی باعتبار موضوع (هرحقی) مطلق و عام است و مقررات اتلاف باین اعتبار (تلف یا ناقص و یا معیوب شدن مال) خاص میباشد و چون عام طبق قاعده کلی ناسخ خاص نمی‌تواند باشد بنابراین قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ مقررات اتلاف را فسخ ضمنی ننموده، برای اینکه مسئولیت مدنی محقق شود وجود ارکان و عناصری لازم است که به ترتیب و در قسمت‌های آینده مورد بحث قرار می‌گیرد.

(ارکان مسئولیت مدنی)

برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن لازم است و با پیدایش ارکان سه‌گانه مسئولیت محقق و واردکننده خسارت لازم به جبران خسارت میباشد. ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده مسئولیت مدنی از این قرار است:

۱- ضرر

۲- عمل

۳- رابطه علیت عمل و ضرر.

ارکان سه‌گانه ذیلا مورد بحث قرار می‌گیرد.

قسمت الف- ضرر

اولین و مهمترین رکن مسئولیت مدنی پیدایش ضرر است زیرا چنانچه عمل خلاف قانون باشد ولی انجام آن موجب ورود خسارت و ضرر نباشد مسئولیت مدنی ایجاد نمیشود چنانکه عبور از محل‌های ممنوعه و نقض مقررات مربوط به ترافیک از طرف رانندگان وسائط نقلیه با وجودیکه برخلاف قانون است ولی چون به کسی زیان نمیرساند مسئولیت مدنی پیدا نمیشود.

اقسام ضرر

با توجه بمقررات ماده يك قانون مسئولیت مدنی که مقرر میدارد (هرکسی بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی بجان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا بهر حق دیگر که بموجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود میباشد) و مقررات ذیل ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری مبنی بر ضرر و زیانی که قابل مطالبه است بشرح ذیل میباشد.

۱- ضرر و زیان مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شود.

۲- ضرر و زیان معنوی که عبارتست از کسر حیثیت باعتبار اشخاص یا

صدمات روحی.

۳- منافعی که ممکن بحصول بودی و مدعی خصوصی از آن محروم میشود اولاً

ضرر بر دو قسم است.

اول ضرر مادی و دوم ضرر معنوی و ثانیاً ضرر و زیان قابل مطالبه عبارتند.

۱- از ضرر و زیان مادی

۲- ضرر و زیان معنوی

۳- منافع ممکن الحصول

۱- ضرر مادی - ضرر مادی آن است که قابل تقویم بپول باشد. منشأ چنین

ضرری بر دو نوع است.

الف ضرر مالی ب- ضرر بجان یا سلامتی

ضرر مالی نوعاً تلف مال یا ناقص و معیوب شدن مال میباشد مانند موردی

که دو اتومبیل بیکدیگر برخورد و به هر دو وسیله نقلیه خسارت وارد میشود و

بسهولت با جلب نظریه کارشناس و متخصص قابل تقویم بپول میباشد.

گاه ممکن است بدون آنکه مال تلف یا ناقص و یا معیوب شود در اثر عمل

کسی ارزش آن کاسته و یا بکلی فاقد ارزش میشود.

این قبیل امور در مورد اموال غیرمنقول پیش درباره اموال منقول نیز ممکن

است چنین حالتی پیش بیاید.

راجع به مال غیرمنقول که بدون تلف و معیوب و ناقص شدن ارزش کاسته

یا از بین میرود مانند اینکه در کنار خانه مسکونی کسی عمارت چندین طبقه ساخته

شود و در نتیجه نور کافی به آن نرسد یا در مجاور محل مسکونی کاباره یا کارگاه

صنعتی ساخته شود غیر از تلف مال ضرر مادی ممکن است حق مالی باشد مانند

موردی که اتومبیلی را که شخص ثالث حق انتفاع بطور رقبی نسبت بآن دارد شخص

دیگری آتش بزند که در این صورت علاوه بر خسارت مالك اتومبیل به حق مالی

دارنده حق انتفاع نیز لطمه وارد میگردد.

علاوه بر این ممکن است ضرر فوت شدن منفعت مسلم و مشروعی باشد مثل

اینکه کسی راننده تاکسی را چند روزی بطور غیرقانونی توقیف نماید و در نتیجه

در آن مدت از دست یافتن به منافع مسلم محروم میشود.
ضرر بجان یا سلامتی - چنانچه صدمه جسمانی موجب جرح یا نقص عضو
بیماری یا فوت گردد که سبب پیدایش ضرر مالی است.
۲- ضرر معنوی

برخلاف ضرر مادی ضرر معنوی قابل تقویم بپول نمیباشد و بهمین لحاظ
سالیان متمادی حقوق دانها آنرا غیر قابل جبران میدانستند.
غیر قابل تقویم بودن ضرر معنوی بپول نباید موجب غیر قابل جبران بودن
آن شود از نظر قانون مسئولیت مدنی با توجه به مقررات ماده ۱۰ قانون مزبور
دادگاه باید پس از اثبات تقصیر حکم لازم درباره جبران ضرر معنوی - صادر
نماید.
منشأ ضرر معنوی کسر حیثیت و اعتبار و یا صدمات روحی است.

شرایط ضرر قابل مطالبه

برای اینکه ضرر قابل مطالبه باشد باید دارای شرایطی باشد و دادگاه در
موقع صدور حکم بجبران ضرر بایستی دقیقاً توجه نماید و مطمئن شود که ضرر
مورد مطالبه شرایط لازم را دارا است.
شرایط مزبور عبارت است از:

۱- ضرر باید مسلم باشد - ضرر قابل مطالبه چنان ضرری است که در اثر
عمل غیرقانونی بدیگری وارد شود اعم از اینکه مادی یا معنوی باشد.
بنابراین ضرر محتمل قابل مطالبه نیست. ضرر موقعی محتمل است که در
صورت عدم ارتکاب عمل ممکن بوده بوجود نیاید.

ضرر احتمالی یا فرضی چون پیدایش آن مورد تردید است و احراز رابطه
علیت و سببیت بین آن و عمل بسهولت امکان پذیر نیست قابل جبران نیست.
تشخیص اینکه ضرر مورد مطالبه مسلم و یا احتمالی است گاهی اوقات کار
آسانی نیست و دادگاه باید با دقت کافی تعیین نماید که ضرر مورد مطالبه مسلم
است و یا احتمالی و در صورتی میتواند حکم به جبران آن صادر نماید که ضرر
احتمالی نباشد.

۲- ضرر باید مستقیم باشد. در قوانین بسیاری از کشورهای اروپائی یکی
از شرایط ضرر قابل مطالبه مستقیم بودن آن است.
در قانون مسئولیت مدنی و قانون مدنی (مبحث مربوط به اتلاف) و ماده
۹ قانون آئین دادرسی کیفری قید مستقیم بودن ضرر دیده نمیشود و حسب مقررات
مواد مزبور متضرر بطور مطلق حق مطالبه دارد.

اما توجه دقیق به ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی و مقررات مربوط
بتجارت ناشی از عدم انجام تعهد از قانون مدنی چنین بنظر میرسد که ضرر مورد
مطالبه در صورتیکه فاقد این شرط باشد غیرقابل جبران است بنابراین متضرر

علاوه بر اثبات ورود ضرر بایستی ثابت کند ضرر وارده نتیجه مستقیم عمل مرتکب بودی تا دادگاه - بتواند حکم لازم صادر کند.

علاوه از مقررات مورد اشاره از لحاظ اصول و قواعد عقلی نیز مرتکب‌تنها مسئول پرداخت خسارت ناشی از عمل خود میباشد.

۳- ضرر باید ناشی از لطمه بحق قانونی باشد. قوانین جاریه مملکتی برای افراد حقوقی برقرار نموده و تجاوز به آن حقوقی را محکوم مینماید. بدیهی است لطمه بوضعیت‌هائیکه قانون برسمیت نشناخته اگر چه لطمه وارده موجب خسارت شود مسئولیتی پیدا نمیشود چنانکه اگر يك نفر به مأمورین مبارزه با مواد مخدر اطلاعاتی در خصوص فعالیت خرید و فروش مواد مخدر از ناحیه شخص بخصوصی تسلیم و در نتیجه شخص مزبور دستگیر و محتمل خسارت‌های مختلف شود چون فعالیت‌های آن شخص از نظر قانون ممنوع شده قانوناً حقوقی برایش متصور نیست تا لطمه به آن قابل جبران باشد.

ب- عمل

مادام که کسی عمل انجام نداده باشد که موجب خسارت گردد نمیتوان او را مسئول جبران خسارت دانست عمل موجب خسارت میتواند مبنای مسئولیت قرار گیرد که دارای شرایطی باشد.

شرایط عملی موجب خسارت و مسئولیت از این قرار است.

۱- عمل بدون مجوز قانونی باشد.

عمل برای اینکه منشا و مبنای مسئولیت شود بایستی بدون مجوز قانونی انجام شده باشد.

بنابراین عملی که در اجرای قانون انجام میشود اگرچه موجب خسارت گردد نمیتواند اساس مسئولیت قرار گیرد مثلاً صدور و اجرای حکم اعدام، توقیف‌اشخاص وسیله مقامات قضائی و از این قبیل امور که در اجرای قانون صورت میگیرد موجب مسئولیت مدنی نیست.

عمل عمدی یا در نتیجه بی‌احتیاطی باشد.

حسب مقررات ماده يك قانون مسئولیت مدنی عمل موقعی میتواند موجب مسئولیت شود که عمدی یا در اثر بی‌احتیاطی باشد.

در اینجا لازم بیادآوری است که راجع به مسئولیت مدنی بطور کلی در نظریه علمی وجود دارد.

۱- نظریه علیت یا خطر

۲- نظریه تقصیر

طبق نظریه اول هر عمل زیان‌آور بخودی خود موجب مسئولیت مرتکب‌میشود و باید جبران ضرر را بنماید.

حسب نظریه دوم عمل باید عمدی یا در نتیجه بی‌احتیاطی باشد به عبارت

دیگر تقصیر باید ثابت شود تا ضرر قابل مطالبه و جبران باشد.

فرق بین نظریه خطر و علیت و نظریه تقصیر این است که طبق نظریه اول وجود ارکان ضرر - عمل و رابطه علیت بین ضرر و عمل برای تحقق مسئولیت مدنی مافی است. در صورتیکه حسب نظریه دوم علاوه بر ارکان عمل - ضرر و رابطه علیت وجود تقصیر نیز لازم است.

از نظر قوانین ما قانون مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه تقصیر و مقررات مربوط به اتلاف براساس نظریه خطر و علیت استوار است.

ج- رابطه علیت بین عمل و ضرر

رکن اساسی مسئولیت مدنی وجود رابطه علیت بین عمل بدون مجوز قانونی مرتکب و ضرر وارده بمتضرر است و الا در صورت موجود نبودن رابطه مزبور مرتکب مسئول شناخته نمیشود و نمیتوان حکم بجبران خسارت داد با قبول این امر علاوه بر عمل و ضرر خواهان باید وجود رابطه علیت بین عمل و ضرر را ثابت نماید تا دادگاه بتواند حکم بجبران خسارت صادر نماید.

در مواقعی که امر واحدی موجب خسارت شود یا بعبارت دیگر علت حادثه زیان بار منحصر بفرد باشد مشکلی وجود ندارد و تشخیص و برقراری رابطه علیت بین عمل و ضرر بسهولت امکان پذیر است مانند موردی که کسی عمداً شیشه اتومبیل دیگری را میشکند یا حیوان حلال گوشت دیگری را بکشد.

اما اگر عوامل متعدد موجب خسارت شوند تشخیص مسئولیت حادثه ضرر آور و برقراری و احراز رابطه علیت بین عمل و ضرر کار آسانی نیست و مستلزم مذاقه و تحقیق و مطالعه کافی است در غیر این صورت حکمی که بر جبران خسارت صادر میگردد فاقد مبنای صحیح و اصولی است و نقض غرض خواهد بود.

در تشخیص مسئول و احراز رابطه علیت در چنین مواردی در نظریه از طرف حقوق دانان آلمانی ابراز شده.

۱- اول آنکه تمام عوامل علت حقوقی هستند زیرا فقدان یکی از آنها خسارت ایجاد نمیشود در صورتیکه یکی از آن عوامل مقصر باشد باید خسارت را بپردازد.
۲- دوم اینکه تمام عوامل نمیتوانند علت قرار گیرند بلکه علتی که بطور عادی موجب توجه خسارت شده علت میباشد زیرا علت خسارت باید کامل باشد نه اتفاقی.

دادگاههای حقوقی فرانسه که مدتها از نظریه اول متابعت میکردند فعلاً متمایل بنظریه دوم که علت تامه است شده اند.

عوامل متعدد ممکن است عرضی یا طولی باشد.

الف- عوامل متعدد عرضی مجموع فعالیت مشترک چند عامل موجب زیان میشود در این صورت بچه صورتی مسئول میباشد.

در این خصوص نظریه های مختلف وجود دارد عده معتقد بمسئولیت تضامنی

تمام عوامل هستند بعضی‌ها هر يك را بمیزان و تناسب فعالیت انجام شده از ناحیه مسئول میدانند.

بنظر میرسد که نظریه دوم با موازین و اصول منطقی استوار متکی نباشد زیرا در محل تشخیص میزان فعالیت و اثرات ناشیه از اقدام هر يك از عوامل کار ساده‌ای نیست و ضابطه‌ای برای تشخیص نیز وجود ندارد.

اگرچه در مسائل حقوقی و امور مربوط بمسئولیت اصل عدم تضامن است و هر جا معتقد به مسئولیت تضامنی شدیم یا حتی نص صریح قانونی داشته باشیم ولی بنظر میرسد که راه حل اول یعنی جاری کردن حکم مسئولیت تضامنی سازگاری بیشتری دارد و منطقی است.

اما در خصوص اینکه گفتیم مسئولیت تضامنی محتاج نص است با توجه بمقررات ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی که مقرر میدارد «در مورد ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند...» و از استفاده از وحدت ملاک آن مشکلی وجود نخواهد داشت.

بدر مورد عوامل متعدد طولی مانند موردی که چند اتومبیل در نزدیک چهار راه بعلت قرمز بودن چراغ راهنمایی توقف کرده‌اند و کامیونی بدون توجه به عقب یکی از آنها میزند و آن یکی بدیگری و بهمین ترتیب فرضاً به ۱۰ دستگاه اتومبیل خسارت وارد میشود تصور میشود با استفاده از مقررات ماده ۳۳۲ قانونی مدنی که میگوید (هرگاه يك نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشرتلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب رقومی باشد...)

بلحاظ رقومی بودن سبب از مباشر که در فرض ما کامیون است راننده کامیون را مسئول پرداخت کلیه خسارات وارده به اتومبیل‌ها دانست زیرا اگرچه اتومبیل هر يك به اتومبیل جلویی خسارت وارد کرده لکن تماماً مباشرترین بوده‌اند که سبب رقومی از آنان بوده و بدین ترتیب مسبب مسئول است.

پرتال جامع علوم انسانی